



تبیین مفهوم اسلام آمریکایی و شیعه انگلیسی و نقش آن در تحولات سیاسی منطقه غرب آسیا

سید علی طباطبایی نسب^۱، علی شیرخانی^۲، محمد حسن الهی منش^۳، مجتبی خندان^۴

۳۸

دوره ۱۰، شماره ۳، پیاپی ۳۸

پاییز ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۵/۰۴/۰۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵/۰۶/۱۳

صص: ۹۸-۷۱

شابا چاپی: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۲۷۱۷-۰۳۸۱



چکیده

اسلام آمریکایی و شیعه انگلیسی دو مفهوم جدید در ادبیات سیاسی-دینی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی توسط امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری مطرح شده اند. این دو مفهوم با تمایز اسلام ناب محمدی(ص) و تشیع اصیل علوی، توسط برخی جریانات سیاسی یا دینی با حمایت دولت های غربی ساخته شده و نقش مهم و موثری در مقابله با گسترش آموزه های اسلام و تشیع اصیل در طول تاریخ و بویژه نقش آفرینی آنان در مقابله با انقلاب اسلامی در سطح منطقه و جهان داشته است. با توجه به این مسئله، سوال اصلی مقاله حاضر، این بوده است که منظور از اسلام آمریکایی و شیعه انگلیسی چیست و این جریانات چه نقشی در تحولات سیاسی منطقه دارند؟ یافته های این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است نشان می دهد که اسلام آمریکایی و شیعه انگلیسی با دو کارویژه متفاوت، هدف واحد تشدید اختلافات مذهبی میان فرق اسلامی و سیاسی زدایی و سکولار سازی مفاهیم اسلام سیاسی و به تبع آن، تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و گسترش جریانات افراطی و تکفیری شیعی و سنی و منازعات مذهبی در غرب آسیا را دنبال می کند.

کلیدواژه ها: اسلام آمریکایی، شیعه انگلیسی، اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم)، تشیع علوی،

غرب، ایران.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)

0384863132@iaui.ir

۲. استاد گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

۴. سطح ۴ حوزه علمیه، حوزه علمیه قم، قم، ایران

۱. مقدمه

این مقاله در راستای پاسخگویی به این پرسش "منظور از اسلام آمریکایی و شیعه انگلیسی چیست و این جریانات چه نقشی در تحولات منطقه دارند؟" سازماندهی شده است در ابتدا با توجه به روایات و سیره‌ی عملی ائمه معصومین علیهم السلام که در آن ابعاد مختلف نگرش آن بزرگواران را نسبت به موضوع وحدت و انسجام اسلامی به رصد نهشته، مشخص می‌سازد که انسجام امت از دستورات و تکالیف عظیم شرعی است که اهل بیت علیهم السلام در تبیین و ترویج آن بسیار کوشیده‌اند. در ادامه نگاهی به منویات حضرت امام خمینی (ره) دارد که می‌فرمایند: مذهبی که وسیله شود تا سرمایه‌های مادی و معنوی کشورهای اسلامی و غیر اسلامی، در اختیار ابرقدرتها و قدرتها قرار گیرد و بر سر مردم فریاد کشد که دین از سیاست جدا است، مخدر جامعه است، ولی این دیگر مذهب واقعی نیست، بلکه مذهبی است که مردم ما آن را «مذهب آمریکایی» می‌نامند.

سپس به بررسی تشیع انگلیسی می‌پردازد که شعبه‌ای از اسلام آمریکایی است؛ فرقه‌ای که با شهادت و جهاد نسبتی ندارد. بی‌خطر برای طاغوت و ظالمین و از کنار آمریکا و اسرائیل نیز با سکوت عبور می‌کند. تشیع انگلیسی هدفش تنها بر تفرقه و اختلافات تأکید دارد. سیاست "تفرقه بیانداز و حکومت کن" انگلیس پس از فرقه‌سازی بر بستر اختلافات عقیدتی، با تضعیف تشیع در برابر سایر مذاهب اسلامی ادامه پیدا کرد. اما این تضعیف مستقیم شیعیان نبود؛ بلکه با میزبانی از شیعیانی بود که با جهل خود تشیع و شیعیان را هدف گرفتند.

و در انتها نگاهی تحقیقی به جنگ مذهبی سی ساله مذهبی که ثمره اسلام آمریکایی و تشیع انگلیسی در منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) می‌باشد خواهد داشت و با تحقیقات صورت گرفته ریشه تحولات اخیر منطقه را در دامن زدن غرب به این اختلافات شاهدیم تا بدانجا که جنگ مذهبی سی ساله جدید به عنوان استراتژی عملیاتی غرب در کلام مسئولینی چون ریچارد هاس (رئیس شورای روابط خارجی آمریکا)، هنری کی سینجر، زیگینیو برژنسکی و جان کری (وزیر سابق امور خارجه آمریکا) برای نابودی اسلام ناب رقم خورده است.

۲. وحدت و انسجام اسلامی

متأسفانه هر ساله روز نهم ربیع الاول در فاصله ای اندک از هفته ای که به نام وحدت اسلامی را به دوش میکشد، به فرصتی برای دشمنان امت اسلامی تبدیل می شود تا بوسیله جهالت عده ای خاص، وحدت و انسجام مسلمانان را هدف قرار داده و با ایجاد تفرقه میان آنان، به اهداف شوم خود نزدیکتر شوند. در حالیکه توصیه ائمه اطهار علیهم السلام همواره بر احترام به مقدسات دیگر مذاهب اسلامی و حتی سایر ادیان الهی بوده است و اصول تعلیمات آن بزرگواران نیز بر اساس تزکیه و پاکسازی مردم از پلیدی پایه گذاری شده است بنابراین انجام چنین منکرات و بدعت هایی، آن هم با نام پیروی از مکتب اهل بیت علیهم السلام نه تنها انحراف از خط و روش آن بزرگواران است، بلکه ظلم و خیانتی بزرگ به این مکتب حقه می باشد که موجبات اضمحلال و تخریب وجهه ی آن را در پی خواهد داشت.

۱-۲. مقصود از وحدت اسلامی

مخالفان اتحاد مسلمین، برای این که از «وحدت اسلامی»، مفهومی غیر منطقی و غیر عملی بسازند آن را به نام «وحدت مذهبی» توجیه می کنند تا در قدم اول، با شکست مواجه گردد. بدیهی است که منظور علمای روشن فکر اسلامی از وحدت اسلامی، حصر مذاهب به یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرح مفترقات آنها - که نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و عملی - نیست. منظور این دانشمندان، متشکل شدن مسلمین است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان.^۱

این دانشمندان می گویند مسلمین مایه ی وفاق های بسیاری دارند که می تواند مبنای یک اتحاد محکم گردد، مسلمین همه خدای یگانه را می پرستند و همه به نبوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله ایمان

۱. شاید استفاده ی مقام معظم رهبری از تعبیر «انسجام اسلامی» به جای «وحدت اسلامی» در چند سال اخیر و هم چنین نامگذاری سال ۱۳۸۷ به سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» به خاطر تبیین همین موضوع و جواب به شبهاتی بوده است که در این زمینه القا می شود زیرا «انسجام» در لغت به معنای مرتب و منظم بودن است؛ بنابراین انسجام اسلامی، یعنی امت در کنار هم قرار می گیرند و در اسلام به وفاق و هماهنگی دست می یابند تا به آسانی بتوانند به پیش روند و اهداف اسلامی را به تحقق رسانند و با این معنا دیگر بهانه ای برای مخالفین اتحاد مسلمین باقی نمی ماند تا از «وحدت اسلامی». مفهومی غیر منطقی و غیر عملی بسازند و آن را به «وحدت مذهبی» تفسیر کنند.

و اذعان دارند، کتاب همه قرآن و قبله‌ی همه کعبه است، مانند هم نماز می‌گذارند و مانند هم روزه می‌گیرند و مانند هم تشکیل خانواده می‌دهند و اموات خود را دفن می‌نمایند و جز در اموری جزئی، در این کارها با هم تفاوتی ندارند. وحدت در جهان‌بینی، در فرهنگ، در سابقه‌ی تمدن، در بینش و منش، در معتقدات مذهبی، در پرستش‌ها و نیایش‌ها، در آداب و سنن اجتماعی خوب می‌تواند از آن‌ها ملتی واحد بسازد و قدرتی عظیم و هایل به وجود آورد که قدرت‌های عظیم جهان ناچار در برابر آن‌ها خضوع نمایند، خصوصاً این که در متن اسلام بر این اصل تأکید شده است.

تنها چیزی که وحدت اسلامی از این نظر، ایجاب می‌کند این است که مسلمین برای این که احساسات کینه‌توزی در میانشان پیدا نشود یا شعله‌ور نگردد متانت را حفظ کنند، یکدیگر را سب و شتم ننمایند، به یکدیگر تهمت نزنند و دروغ نبندند، منطق یکدیگر را مسخره نکنند و بالاخره، احساسات یکدیگر را مجروح نسازند و از حدود منطق و استدلال خارج نشوند و در حقیقت لاقبل حدودی را که اسلام در دعوت غیر مسلمان به اسلام، لازم دانسته است درباره‌ی خودشان رعایت کنند! (نحل، آیه ۱۲۵).

۲-۲- پرهیز از فحش و دشنام و توهین در قرآن کریم

فشرده سخن اینکه «تبری در گفتار» یا به تعبیر دیگر «اظهار تبری» باید عاری از هرگونه دشنام و توهین به مقدسات مخالفان مذهبی باشد؛ زیرا:

۱. توهین و دشنام، حق و باطل را مشخص نمی‌سازد؛
 ۲. آثار سوء بسیاری در پی دارد؛ آن چنان که نه تنها موجب هدایت دیگران نمی‌شود، بلکه باعث لجاجت و گمراهی افراد زیادی از مخالفان مذهبی خواهد شد.
- از این رو پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله درباره مشرکان مقتول در جنگ بدر فرمود: «لَا تَسْبُوْهُلَاءَ فَانِهِ لَا يَخْلُصُ إِلَيْهِمْ شَيْءٌ مِّمَّا تَقُولُونَ وَ تَوَذُّونَ الْأَحْيَاءَ أَلَّا أَنْ الْبَذَاءَ لَوْمَ». به این جنازه‌ها دشنام نگوئید. چیزی از دشنام شما به این‌ها نمی‌رسد؛ ولی زندگان را اذیت می‌کند. بدانید که دشنام دادن، فرومایگی است. (سیوطی، ۱۳۷۸، ۶۰۸). البته این موضوعی است که قرآن کریم نیز بر آن تأکید می‌کند؛ چنان که خداوند متعال در سوره انعام آیه ۱۰۸ خطاب به مومنین می‌فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ». (شما مومنان) به (معبود) آنان که جز

خدا را می خوانند، دشنام ندهید تا مبدا آن ها (نیز) از روی دشمنی، به نادانی خدا را دشنام گویند. ما بدین سان برای هر امتی عملشان را زینت دادیم.

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می نویسد؛ این آیه یکی از ادب های دینی را خاطر نشان می سازد که با رعایت آن احترام مقدسات جامعه دینی محفوظ مانده، دستخوش اهانت و ناسزا و یا سخریه نمی شود. از جمله (كَذَلِكَ زَيْنًا لِّكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ) آن را افاده می کند، نهی از هر کلام زشتی نسبت به مقدسات دینی استفاده می شود. (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۷، ص ۴۲۲).

از همین رو با دقت در معنا و تفسیر این آیه می توانیم به نکاتی کلیدی و ارزشمند در خصوص شیوه ی برخورد با اهل سنت دست یابیم که با رعایت آنها، تحولی عظیم در روابط مسلمانان پدید خواهد آمد:

اهانت به مقدسات اهل سنت باعث خواهد شد بعضی از آنها نیز بر اثر نادانی به مقدسات شیعه توهین کنند آلوسی دانشمند معروف سنی در تفسیر روح المعانی نقل می کند:

یکی از عوام جاهل سنی را مشاهده کردم که از دشنام بعضی از شیعیان به شیخین ناراحت شده و شروع کرد به اهانت به مقام علی علیه السلام. هنگامی که از او سوال شد: «چرا به علی اهانت می کنی که نزد تو محترم است؟» گفت می خواستم شیعه ها را ناراحت کنم؛ زیرا هیچ چیزی را ناراحت کننده تر از این موضوع برای آنها ندیدم. او را به توبه از این جهل عظیم وادار ساختند. (آلوسی، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۲۳۸)

همچنین قاضی نورالله شو شتری در کتاب **الصوارم المهرقه** در این باره می نویسد: گروهی دیگر از پیروان ابوبکر و عمر که در زمان مابند، وقتی لعن آن دو را از زبان یکی از شیعیان می شنوند، در برابرش به لعن علی دست می زنند (طباطبایی، ۱۳۸۶، ۴۳۴).

امام صادق علیه السلام آگاه شد مردی در مسجد آشکارا به دشمنانشان دشنام می دهد و نام آنها را میبرد، فرمود: ماله؟ «لعنه الله، تعرض بنا» او را چه شده است؟ خدا لعنتش کند که با این کار متعرض ما می شود (آلوسی، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۲۳۶).

۲-۳. امیرالمؤمنین (علیه السلام) طلایه دار وحدت اسلامی

بدون شک نقش امیرالمؤمنین علیه السلام در برقراری وحدت اسلامی و جلوگیری از تفرقه و تشتت میان مسلمین از واقعیات مهم تاریخی است که کسی را یارای انکار آن نیست؛ آن گونه که گفته اند

اسلام بقا و ثبوت خویش را پیش از آن که مدیون شمشیر علی علیه السلام باشد مدیون سکوت و تحمل اوست زیرا شمشیر آن حضرت به منزله‌ی ابزاری برای ایجاد قدرت برای اسلام بود ولی سکوت ایشان به منزله‌ی بقای اسلام و ثبوت آن تلقی می‌شد چنان‌که خود آن حضرت درباره‌ی دلایل سکوت خود می‌فرماید: به خدا سوگند اگر بیم وقوع تفرقه میان مسلمین و بازگشتشان به کفر و تباهی دین نبود، رفتار ما با آنان به گونه‌ای دیگر بود.

آری وحدت مسلمین آن قدر مهم است که آن حضرت با وجود مصائب سنگین، راه صبر در پیش گرفته، به حفظ اتحاد جامعه‌ی اسلامی می‌پردازد صبری که درباره‌اش فرمودند: عاقبت دیدم که بردباری و صبر به عقل و خرد نزدیک‌تر است و شکیبایی ورزیدم؛ ولی در حالی بودم که خار در چشمم بود و استخوان در گلویم.

همه‌ی این واقعیت‌هاست که امیرالمؤمنین علیه السلام را بزرگترین طلایه‌دار وحدت اسلامی قرار می‌دهد؛ همچنان که در نامه‌ای به ابوموسی اشعری نیز می‌نویسد: بدان، هیچ کس نیست که نسبت به وحدت و اتحاد امت محمد صلی الله علیه و آله از من حریص‌تر و آنسش به آن از من بیشتر باشد. من در این کار، پاداش نیک و سرانجام شایسته را از خدا می‌طلبم (شهیدی، ۱۳۶۸، ۷۸).

۴-۲- اتحاد و انسجام اسلامی از نگاه اهل بیت علیهم السلام

در همین راستا می‌توان تأکیدهای فراوان ائمه اطهار — علیهم السلام — بر حضور در اجتماعات سایر مسلمانان و خصوصاً نماز گزاردن با آنها را دلیلی دیگر بر این مدعا دانست که با نظریه آنها می‌توان به عمق توجه ایشان به مسأله‌ی وحدت اسلامی پی برد. چنان که امام صادق علیه السلام درباره‌ی اهمیت نماز گزاردن با مخالفان مذهبی می‌فرمودند: هر که با آنها [مخالفان] در صف اوّل نماز بگزارد گویا با رسول خدا در صف اوّل نماز گزارده است. (صدوق، ۱۳۷۶، ۵۳)

فراتر از این‌ها روایتی از حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام که فرمودند: حسن و حسین علیهما السلام پشت سر مروان نماز گزارده‌اند و ما نیز با آنها نماز می‌گذاریم.

آیت‌الله خوئی پس از ذکر تعدادی از این روایات، با این بیان که صدور چنین دستورهایی به جهت رعایت تقیه و خوف از ضرر نبوده است، زیرا اصحاب امام علیه السلام در آن زمان شناخته شده و معروف بودند، می‌نویسد: همانا حکمت از صدور چنین روایاتی رعایت مدارا و حفظ توحید کلمه‌ی مسلمانان بوده است تا بدین وسیله شیعیان، خود را به عدم تعصب متمایز و مشخص سازند؛

بنابراین چنین توصیه‌هایی در زمان ما نیز جاری بوده و حضور در مساجد مخالفان و نماز گزاردن با آن‌ها به منظور مشخص ساختن شیعه از سایر مسلمانان به عدم تعصب، مستحب است تا بدین جهت اتحاد کلمه‌ی مسلمانان حفظ گردد (خویی، ۱۳۷۹، ۳۱۹).

و امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: به شیعیان ما سلام برسان و به آن‌ها بگو خدا رحمت کند بنده‌ای را که دو سستی مردم [عامه و اهل سنت] را به سوی خود کشاند. بدین گونه ائمه اطهار علیهم‌السلام همواره با تأکید بر این حقیقت که وجود اختلاف نظر تا پدید آمدن دولت جهانی اسلام، واقعیتی قطعی و زوال ناپذیر است، از شیعیان می‌خواستند تا در باطن بر اعتقادات حقه خویش راسخ بوده؛ ولی در ظاهر با دیگر مسلمانان در آمیخته و از هرگونه عملی که موجب تفرقه شود، خودداری نمایند. چنان که امام صادق علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: با مردم [سایر مسلمانان] در ظاهر در بیامیزید و در باطن با آن‌ها مخالفت کنید [و بر اعتقادات حقه‌ی خویش باقی بمانید] تا زمانی که حکمرانی کودکانه است. (صدوق، ۱۳۷۲، ۱۰۹).

همچنان که از این روایت به دست آمد منظور از حفظ اتحاد و انسجام امت اسلامی هرگز به معنای دست کشیدن از عقاید و اصول شیعه و به عبارتی سنی شدن شیعیان نیست. بلکه منظور از آن حفظ شاکله امت اسلامی با تکیه بر اشتراک‌های بین مسلمانان و پرهیز از مطرح کردن مسائل تفرقه‌انگیزانه بین آن‌هاست تا بدین وسیله مسلمانان بتوانند با یاری یکدیگر مشکلات سیاسی و اقتصادی و علمی جهان اسلام را برطرف نمایند.^۱

۲-۵. تحریف تبری

۱. در روایات ما معاشرت کردن با اهل سنت و تعامل با آن‌ها مورد تأکید قرار گرفته و این هم نوعی حفظ وحدت است ولی نه قبول کردن عقاید ایشان. حدیث فراوانی از ائمه (علیهم‌السلام) در توجیه به چگونگی معاشرت شیعه با اهل سنت در کتب روایی شیعه آمده است که ما به ذکر نمونه‌ای بسنده می‌کنیم. شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه بابتی را تحت عنوان «باب وجوب عشره الناس» به این موضوع اختصاص داده، و می‌فرماید: «باب وجوب عشره الناس حتی العامة بأداء الأمانة وإقامة الشهادة والصدق واستحباب عيادة المرضى وشهود الجنائز وحسن الجوار والصلوة فی المَساجِد». (شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، و سائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۹۸، باب ۱، باب وجوب عشره الناس حتی العامة) «باب واجب بودن زندگی مسالمت‌آمیز با مردم، حتی اهل سنت؛ بدین صورت که امانت آنان را ادا کنید و به سود آنان شهادت دهید و به راستگویی با آنان پایبند باشید، مستحب است که مریض‌های آنان را عیادت، جنازه‌های آنان را تشییع، با همسایگان رفتار نیکو و در مساجد حضور داشته باشید.»

امروز نیز دشمنان دین در تلاش اند تا با تبلیغ اتهام توهین شیعه به صحابه و خلفا، به تحریک احساسات سایر مسلمانان بپردازند آن ها را از اندیشه های عدالت خواهانه ی شیعه دور کنند و مانع الگو گیری آنها از مکتب تشیع شوند. امروز کتاب های عالمان شیعه با این تهمت که حاوی توهین به صحابه است در کشورهای اسلامی به عنوان کتب ضاله معرفی می شود و نشر و پخش آن ها ممنوع است. در عصر حاضر تندروهای اهل سنت به اتهام توهین به خلفا بیش از گذشته به جان و ناموس شیعیان تعرض می کنند. اما مهم تر از همه آنها این است که امروز در میان شیعیان نیز جریانی مشکوک در لباس عالمان دین، به ترویج و توجیه توهین به مقدسات اهل سنت می پردازد. متأسفانه این جریان با تحریف آموزه ی تبری از دشمنان دین، جامعه اسلامی و خصوصاً شیعه را به سمت تعصبات کور مذهبی و ایجاد دشمنی های بی فایده بین مسلمانان سوق می دهد. این در حالی است که این گونه برداشت از آموزه ی تبری بر خلاف تعالیم مکتب اهل بیت علیهم السلام است و بسیاری از عالمان شیعه نیز آن را ناصواب می دانند.

۶-۲- جهالت ها و خسارت ها

چنان که سلاطین و خلفاء مستبد نیز همیشه از این موضوع برای قتل عام شیعیان استفاده می کرده اند، همان گونه که صاحب کتاب **المتنظم** به این نکته اشاره کرده و میگوید: «حکام و سرمداران قدرت هر وقت می خواستند فردی شیعی مذهب را تعقیب و دستگیر و سپس مجازات کنند به جرم فحش و ناسزا به ابوبکر و عمر بود، نه اینکه چون پیرو علی علیه السلام است و از آن حضرت دفاع کرده است» (حیدر، ۱۳۷۱، ۶۴۴).

ابن اثیر نیز در جریان حوادث سال ۴۰۷ می نویسد که در آن سال، شیعیان در تمام بلاد آفریقا به اتهام توهین به ابوبکر و عمر قتل عام شدند. (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ۲۹۵).

۷-۲. عنایت آیت الله بروجردی به اتحاد اسلامی

مرحوم آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله توجه و اهتمام ویژه ای به موضوع اتحاد و انسجام اسلامی داشتند. ایشان بر آن عقیده بودند که مسلمانان باید با کنار گذاشتن اختلافاتشان در امور فرعی و جزئی، گام های بیشتری را در جهت زدودن شک و سوء تفاهم میان خود برداشته و با تکیه بر اصول مشترکی همچون قرآن و سنت نبوی، به حل مشکلات جهان اسلام بپردازند. زیرا بی شک

هرگونه ایجاد تفرقه و تشنج میان آن‌ها به ضرر تمامی مسلمانان و به سود دشمنان اسلام خواهد بود (متظری، ۱۳۷۸، ۱۵۶).

۳. اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی

۳-۱. اسلام راستین و اسلام آمریکایی

از جمله واژگان تقابلی در گفتمان امام خمینی «اسلام ناب محمدی» و «اسلام آمریکایی» بود.^۱ امام خمینی معتقد است که آمریکا و غرب برای مهار امواج بیداری اسلامی چاره‌ای جز تحریف جنبه‌های حیات آفرین اسلام و خنثی کردن اندیشه‌ی سیاسی اسلام ندارد. هشدار امام خمینی نسبت به گفتمانی بود که آمریکا از رهگذر ترویج آن با استفاده از سلطه‌ی رسانه‌ای و تبلیغاتی خویش به جنگ اندیشه‌های مترقی و اجتماعی اسلام ناب برخاسته است. به همین دلیل امام در کنار معرفی ابعاد مختلف اسلام، اهمیت توجه به کج فکری‌ها، جمود، قشری‌گری‌ها، معرفی ناقص اسلام، التقاط‌ها و انحراف‌ها را گوشزد می‌کند. از همین روست که او در دو سال آخر عمر شریف خویش در معرفی اسلام حقیقی، اصطلاح «اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله)» و در معرفی اسلام متحجرین و مقدس مآبان و التقاطی‌ها، اصطلاح «اسلام آمریکایی» را به کار برد و در غالب پیام‌ها و سخنرانی‌ها بارها به مناسبت‌های مختلف در معرفی این دو اسلام پافشاری می‌کرد و باز شناسی اسلام ناب محمدی و جدا کردن آن از اسلام آمریکایی را از واجبات سیاسی بسیار مهم می‌دانست و بر آن تأکید می‌ورزید.

۳-۲. اسلام حقیقی

منظور از اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) همان اسلام حقیقی و اصیلی است که از پیامبر اکرم (ص) بی هیچ پیرایه و آرایش‌ی به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) و سپس به ائمه‌ی

۱. اسلام آمریکایی اصطلاحی است که توسط امام خمینی برای معرفی نوعی اسلام در مقابل اسلام ناب محمدی استفاده شده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۷۸ش، ج ۲۱، ص ۱۲۰ و ۱۳۷ و ۱۴۳ و ۱۸۰ و ۲۴۰). او در ۱۱ فروردین سال ۱۳۶۷ش در پیام به ملت ایران، به مناسبت انتخابات مجلس، اصطلاح اسلام آمریکایی را در مقابل اسلام ناب محمدی به کار برد. (صحیفه امام، ۱۳۷۸ش، ج ۲۱، ص ۱۱). گفته شده وی بیشتر در اواخر عمر این تعبیر را به کار می‌برد. (امام خمینی، اسلام ناب در کلام و پیام امام خمینی، ۱۳۷۸ش، ص ۶).

معصومین بعدی(ع) منتقل شده و از آن بزرگواران نسل به نسل و دست به دست گشته تا به ما رسیده است.

امام (ره) در پیامی چنین می‌فرماید: «فرزندان عزیز جهادی‌ام به تنها چیزی که باید فکر کنید به استواری پایه‌های اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) است؛ اسلامی که غرب و در رأس آن آمریکای جهان‌خوار و در شرق در رأس آن شوروی جنایتکار را به خاک مذلت خواهد نشاند. اسلامی که پرچم‌داران آن پابرهنگان و مظلومین و فقرای جهانند و دشمنان آن ملحدان و کافران و سرمایه‌داران و پول پرستانند. اسلامی که طرفداران واقعی آن همیشه از مال و قدرت بی بهره بوده‌اند و دشمنان حقیقی آن زرا ندوزان حیل‌گر و قدرت مداران بازیگر و مقدس نمایان بی‌هنرند». (پیام به سمینار مسئولان، ۱۳۶۷)

۳-۳- ویژگی‌های اسلام ناب از منظر امام خمینی (ره)

الف) در بعد دین‌شناسی، اسلام ناب با هر گونه قشری‌گری و جمود و سطحی‌نگری و ظاهربینی مخالف، و همواره با نقد و نظر و پویایی و شکوفایی موافق است و هیچ گاه با مهر تکفیر و تفسیق به مبارزه با اندیشه‌های نو نمی‌پردازد؛ بلکه ضمن پابندی به سنت‌های صحیح و اصولی، پیوسته نقد و نظر، همواره برهان و استدلال را مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهد و از روش‌های جدید و کارآمد، کمال استفاده را می‌کند و هیچ گاه از سؤال و پرسش و طرح مسائل روز و مشکلات فکری فرار نمی‌کند.

در واقع مسائل جدید و مقتضیات زمان از اصلی‌ترین مشغله‌های ذهنی پیروان اسلام ناب است. ب) سیاسی بودن اسلام ناب: از منظر امام خمینی، اسلام تمامش سیاست است: «اسلام این نیست. والله اسلام تمامش سیاست است. اسلام را بد معرفی کرده‌اند. سیاست مُدُن از اسلام سرچشمه می‌گیرد. من از آن آخوندها نیستم که در اینجا بنشینم و تسبیح دست بگیرم؛ من پاپ نیستم که فقط روزهای یکشنبه مراسمی انجام دهم و بقیه‌ی اوقات برای خودم سلطانی باشم و به امور دیگر کاری نداشته باشم. پایگاه استقلال اسلامی اینجا است». (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۲۷)

پ) مبارزه با طاغوت: بر این اساس پیرو اسلام ناب هیچ‌گاه وظیفه‌ی مبارزه با طاغوت را به بهانه‌ی عبادت خدا فراموش نمی‌کند؛ لذا عبادات او با سیاست در می‌آمیزد و در نمازش نفی طاغوت را شعار خویش می‌سازد تا بتواند به الوهیت الله اعتراف نماید و در حج نیز به آداب حج

بسند نمی‌کند، بلکه به پیروی از ابراهیم خلیل (علیه السلام) با شکستن بت‌ها و اظهار براءت از نمرد و نمرویان زمان به پروردگار خویش لبیک می‌گوید.

ت) حمایت از مظلومان: امام خمینی در این باره می‌گوید: «ما وظیفه داریم مردم مظلوم و محروم را نجات دهیم. ما وظیفه داریم پشتیبان مظلومین و دشمن ظالمین باشیم. همین وظیفه است که امیرالمؤمنین (ع) در وصیت معروف به دو فرزند بزرگوارش تذکر می‌دهد و می‌فرماید: «وَكُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْماً وَلِلْمَظْلُومِ عَوْناً» (شهیدی، ۱۳۶۸، ۳۲۱) دشمن ستمگر و یاور و پشتیبان ستمدیده باشید. ... امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: من حکومت را به این علت قبول کردم که خداوند تبارک و تعالی از علمای اسلام تعهد گرفته و آن‌ها را ملزم کرده که در مقابل پرخوری و غارتگری ستمگران و گرسنگی و محرومیت ستم دیدگان ساکت ننشینند و بیکار نایستند». (امام خمینی، ۱۳۹۴، ۳۷)

۴-۳. اسلام آمریکایی

یکی از واژه‌هایی که پس از انقلاب اسلامی، وارد فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران و شاید حتی وارد فرهنگ لغات سیاسی جهان شد، «اسلام آمریکایی» بود. این اصطلاح بیانگر قرائتی از اسلام است که مطابق دیدگاه‌های لیبرالیستی یا متناسب با امیال و اهداف امپریالیستی و استکباری تنظیم شده باشد. در حقیقت، اسلام آمریکایی، اسلام کاپیتالیستی و سرمایه سالاری است که محرومان و پابرهنگان در آن محلی از اعراب ندارند و به عوض مبارزه با فقر، با فقرابی‌مهری می‌کنند، لذا پیدایش جریانی انحرافی از اسلام به نام اسلام آمریکایی موضوعی بود که در پیام‌های اواخر عمر امام خمینی با حساسیت فراوان مورد تبیین و بازگویی و هشدار قرار گرفته است. (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۳۲).

۵-۳. ویژگی‌های اسلام آمریکایی

الف) اسلام سازش و فرومایگی: امام این مطالب را گاهی با تعبیر «اسلام راحت طلبان و سازشکاران» نیز بیان می‌دارند. به ویژه سران سازشکار اسلامی را درباره‌ی اسرائیل و سایر جهان‌خواران حامی او مورد خطاب خود قرار داده‌اند. ایشان ویژگی اسلام ناب را، که در این دنیای هجمه و وحشی‌گری ضامن حیات و سربلندی اوست، سازش ناپذیری اسلام در تمام عرصه‌ها می‌دانند.

ب) جدایی دین از سیاست: جدایی دین از سیاست به راستی از مبانی اندیشه‌ی غربی است که از قرن‌ها پیش و از زمان رنسانس بیان شده و به تدریج بر تمام ساحات معرفتی و نظری سیاستمداران و اندیشمندان روحانی و غیرروحانی غربی حاکم شده است. در واقع امام (ره) با تذکر به این نکته در صدد رد و طرد این مفهوم از دامن اسلام هستند و در مقابل اسلام را دینی می‌دانند که با سیاست عجین شده و سیاست و دیانت آن عین هم هستند. (پورحسین، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۷۳۸).
پ) التقاط: از دیدگاه امام خمینی - رحمه الله علیه - یکی دیگر از اندیشه‌هایی که موجب ضربه زدن به پیکر اسلام و حاکمیت و رشد اسلام آمریکایی است، اندیشه‌ی «التقاط» است. التقاط، در حقیقت نشأت گرفته از عدم پابندی به اسلام است.

در اندیشه‌ی انسان التقاطی، اسلام دینی نیست که به طور کامل پاسخ‌گوی نیازهای مادی و معنوی بشر باشد. از این روی کسانی که دارای این اندیشه و طرز فکرند با سلیقه‌ی خود، بخشی از اسلام اصیل و بخشی از مکتب‌های دیگر را گرفته و با هم ضمیمه کرده و مجموع آن را به نام اسلام به جامعه‌ی اسلامی عرضه می‌کنند. چنین اندیشه‌ای در تاریخ اسلام نمونه‌های فراوان دارد، امام خمینی - رحمه الله - اسلام التقاطی را اسلام آمریکایی می‌داند، «طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاه‌ها، باید دقیقاً روی مبانی اسلامی مطالعه کنند و شعارهای گروه‌های منحرف را کنار گذارند و اسلام عزیز راستین را جایگزین تمامی کج اندیشی‌ها نمایند. این دو دسته باید بدانند اسلام خود مکتبی است غنی که هرگز احتیاجی به ضمیمه کردن بعضی از مکاتب به آن نیست و همه باید بدانند که التقاطی فکر کردن خیانتی بزرگ به اسلام و مسلمین است که نتیجه و ثمره‌ی تلخ این نوع تفکر در سال‌های آینده روشن می‌گردد.» (حسینی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۶۳).

ت) اسلام تحجری و اسلام آمریکایی

اسلام تحجری و اسلام آمریکایی همانند دو سر قیچی برای قطعه قطعه کردن اسلام ناب محمدی به میدان آمده‌اند و هر روز با نزدیک‌تر شدن به هم و ساختن چارچوب‌های فکری مشترک در رسیدن به هدف خود تلاش می‌کنند؛ چرا که با این کار اسلام تحجری و جاهت بر باد رفته‌ی خود را به دست می‌آورد و اسلام آمریکایی راه خود را برای ایجاد یک مدنیت انگلی هموارتر و صاف‌تر خواهد یافت.

امام در پیامی دیگر به هر دو اسلام اشاره می‌کند و می‌گوید: « شما باید نشان دهید که چگونه مردم علیه ظلم و بیداد، تحجر و واپس‌گرایی قیام کردند و فکر اسلام ناب محمدی را جایگزین تفکر اسلام سلطنتی، اسلام سرمایه‌داری، اسلام التقاط و در یک کلمه اسلام آمریکایی کردند.» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۲۴۰) چنان‌که در پیامی دیگر هر دو اسلام را مجسم می‌نماید: «تنها هنری مورد قبول قرآن است که صیقل دهنده‌ی اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) اسلام ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام اسلام فقرای دردمند، اسلام پابرهنگان، اسلام تازیانه خورندگان تاریخ تلخ و شرم‌آور محرومیت‌ها باشد. هنری زیبا و پاک است که کوبنده‌ی سرمایه‌داری مدرن و کمونیسم خون‌آشام و نابودکننده‌ی اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومایگی، اسلام مرفهین بی‌درد و در یک کلمه «اسلام آمریکایی» باشد.

۴. تشیع لندن یا شیعه انگلیسی

چند سالی است با کلید خوردن پروژه (اسلام هراسی) از سوی غرب به ویژه آمریکا، جریان‌های انحرافی درون دینی و مذهبی به بزرگترین چالش و خطر، برای تهدید اسلام تبدیل شده‌اند. این خطر تنها به یک مذهب و مشرب هم مربوط نیست، بلکه این سرمایه‌گذاری در بین همه فرق و مذاهب اسلامی بویژه شیعه و سنی به منصفه ظهور رسیده است.

نظام سلطه در راستای ارائه تصویری دروغین و خشن از اسلام، درکنار تجهیز و ترغیب جریان تکفیری‌ها و سلفی‌ها که بسیاری از آنها به تندروهای اهل سنت تعبیر میکنند، جریانهای خطرناک دیگری را در دل شیعیان بوجود آورده و آنها را مورد حمایت مالی و رسانه‌ای قرار داده است و با اقدامات قابل تأمل و تأسف، خود مشغول تیشه زدن به ریشه اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) و مکتب تشیع می‌باشد.

جریان شیعه انگلیسی بدون توجه به شرایط زمان و مکان و مسائل جاری جهان اسلام، با توهین به مقدسات اهل سنت و ترویج شعارهای افراطی، زمینه تشدید اختلافات دینی را فراهم نموده و باعث کشتار شیعیان بی‌گناه در اقصی نقاط جهان شده است.

۴-۱. مصداق‌های شناسایی «تشیع انگلیسی»

تشیع انگلیسی، شعبه‌ای از «اسلام آمریکایی» است؛ فرقه‌ای که با شهادت و جهاد نسبتی ندارد. بی‌خطر برای طاغوت و ظالمین و از کنار آمریکا و اسرائیل نیز با سکوت عبور می‌کند. «شیعه انگلیسی» ترجیح می‌دهد بر پیکر خونین امام حسین (ع) گریه و مویه کند تا در رکاب پسر رسول خدا کشته شود.

تشیع انگلیسی هدفش حرکت در مسیر اصلاح دین رسول خدا نیست و تنها بر تفرقه و اختلافات تأکید دارد. «تکفیر» می‌کند. ناسزا می‌گوید. به مقدسات سایر مسلمانان توهین می‌کند و به تنها حکومت شیعی جهان می‌تازد. رهبر انقلاب بر اصلی و فرعی کردن دشمنان تأکید فراوان داشته و دارند. تشیع انگلیسی دشمن فرعی نیست. نقشه همان دشمنان اصلی است؛ توطئه شومی که یک شاخه‌اش در لباس داعش سر برآورده است، شاخه‌ای در هیئت «وهابیت و جاهلیت»، شعبه‌ای هم در لباس «بهائیت» متّهِک به احکام و اصول اسلامی.

«تشیع انگلیسی»، شیعه را خون‌ریز و غیرعقلانی و افراطی نشان می‌دهد؛ حال آنکه امامان معصوم شیعه (علیهم السلام) مظهر عقلانیت و عدالت هستند. تیغ شیعه در برابر جبهه کفار و دشمنان اسلام از نیام بیرون می‌آید؛ و می‌آید.

یک عده از این‌ها در حوزه ریشه دارند. امام در منشور روحانیت می‌گوید: «استعمار در فرهنگ حوزه‌های ما نفوذ کرده است و اولین القایشان جدایی دین از سیاست است».

سیاست «تفرقه بیانداز و حکومت کن» انگلیس پس از فرقه‌سازی بر بستر اختلافات عقیدتی، با تضعیف تشیع در برابر سایر مذاهب اسلامی ادامه پیدا کرد. تبلیغ آزادانه شیعیان افراطی و راه‌اندازی شبکه‌های متنوع در انگلیس و آمریکا از جمله این اقدامات است.

یکی از ردپاهای اولیه نفوذ انگلیس در تشیع به زمانی بازمی‌گردد که میرزای شیرازی به مقابله قراردادهای استعماری انگلستان پرداخت و علمای شیعه پس از آن در هر فرصتی بر ضد این قدرت استعمارگر فتوای جهاد و مقاومت می‌دادند.

دولت انگلیس و سرویس اطلاعاتی این کشور میزبان برخی از مراجع شیعه شد و با بهره‌گیری از محبوبیت آن‌ها در اروپا، بستر پرورش طلبه‌های جوان با گرایش‌های ضد نظام اسلامی و در مغایرت با روش غالب مراجع عظام شیعه در قم و نجف، فراهم کردند (سایت قدیریون، ۱۳۹۶).

اسلام و تشیع مورد نظر این افراد، نه کاری به سلطه‌گری آمریکا دارد و نه مشکلی با اشغالگری رژیم اسرائیل. نه دفاع از کودکان مظلوم غزه را وظیفه خود می‌داند و نه نسبت به داعش حساسیتی نشان می‌دهند.

۲-۴- شیعه انگلیسی مورد حمایت سرویس‌های انگلیس و آمریکا و مأمور ایجاد تفرقه بین

مذاهب اسلامی:

“تشیع انگلیسی” اصولاً و در راستای اجرای دستورات تفرقه‌افکنانه انگلیس، مناسبتی با وحدت اسلامی در برابر استکبار جهانی ندارد؛ چه اینکه خود نیز در دامان استکبار جا خوش کرده است. هواداران فریب خورده و ساده‌دل – و بعضاً مغرض – این جریان، در اوج تلاش‌های جمهوری اسلامی برای خاموش کردن فتنه جنگ شیعه – سنی، در هفته وحدت، مراسم و راهپیمایی‌هایی تحت عنوان هفته برائت – از اهل تسنن – برگزار می‌کنند تا آتش اختلافات شعله‌ور باقی بماند؛ در حالی که بنابر تأکید مؤکد جمیع مراجع عظام در قم و نجف، لعن و توهین به مقدسات اهل تسنن از جمله خلفای و همسر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) حرام است.

امروز انگلیس تمام تجربیات تاریخی خود را بکار گرفته است تا با اختلافات تازه، انتقام خود را از جبهه مقاومت در برابر استعمار بگیرد. انتقامی که با شهادت میرزای شیرازی نتوانست دل این جبهه را آرام کند و داغ فتوای تحریم تنباکو را با ایجاد اختلاف در فتاوای ضد استعماری نظیر تحریم قمه‌زنی و لعن و امثالهم جبران کند.

اما تشیعی که مظهر عقلانیت و آگاهی و ایستادگی در برابر ذلت و ظلم است، با ضدتبلیغ این گروه کوچک اما با شبکه گسترده رسانه‌ای، به عنوان جریانی کم‌خرد، عصبانی و خشن معرفی می‌شوند. مصداق این تبلیغ را می‌توان با جستجوی ساده عبارت “Shia Muslim” مشاهده کرد که تصاویری که موتورهای جستجو برای عبارت “مسلمان شیعه” پیشنهاد می‌دهند، عمدتاً عکس‌های مراسم قمه‌زنی و مشابه آن است.

الان گروه‌هایی هستند که خودشان را شیعه می‌نامند و متأسفانه در انگلستان پایگاه‌های قوی‌ای هم دارند و باعث آبروریزی و شرمندگی تشیع شده‌اند. این‌ها سعی می‌کنند از تشیع چهره‌ای را نشان بدهند که اولاً «تشیع حزبی» است، یعنی بدون این‌که بدانیم اختلافان چیست، با یکدیگر دعوا می‌کنیم و ثانیاً از اسلام چهره‌ای را ارائه می‌دهند که چهره یک دین الهی و جهان شمول نیست. اگر

از همه مردم دنیا پرسید که آیا علاقه‌مند هستید به این دین بگروید و اگر روزی آزاد بودید در صورت انتخاب اسلام، تشیع یا تسنن را انتخاب کنید، آیا این تشیع را انتخاب می‌کنید؟ گمان می‌کنم با تصویری که در اینجا - انگلیس - از تشیع نشان داده می‌شود، همه پاسخ منفی خواهند داد و از خود خواهند پرسید چرا باید یک روز در سال دور هم جمع شویم و با زنجیر، خودمان را خونین و مالین کنیم و بچه‌های دو سه ساله‌مان را بیاوریم و سرشان را زخمی و خونین کنیم؟! این چه چهره‌ای است که ما داریم از تشیع نشان می‌دهیم؟! تشیع ما فقط شده است فحش دادن و ناسزاگویی به مقدسات دیگران.

هیچ انسان آزاده‌ای تمایلی به گرویدن به تشیعی که از انگلیس ترویج و تبلیغ می‌شود ندارد و این یکی از ضربات بزرگ "تشیع انگلیسی" به تشیع واقعیست.

۴-۴. بدعت‌های "شیعه انگلیسی" برای ضربه زدن به شیعیان واقعی

این چیزی که به عنوان شیعه انگلیسی مطرح می‌شود، مساله اصلی‌اش این است که نوک حمله از روی استکبار برداشته و متوجه مسلمانان شود. اگر ما شیعیان که ۱۵ تا ۲۰ درصد جمعیت مسلمانان هستیم، بگوئیم استکبار اولویت اول ما نیست و جنگ اصلی ما با آن ۸۵ درصد مسلمان است، این طرز فکر از کجا آب می‌خورد؟ آشخور این فکر سخیف کجاست؟

۴-۵. رسانه‌های تفرقه‌افکن «تشیع انگلیسی»

طبق بررسی‌ها و پیگیری‌های صورت گرفته، تا پایان سال ۲۰۱۴ میلادی، ۱۴ شبکه ماهواره‌ای وابسته به مکتب لندنی مورد اشاره، فعالیت می‌کردند. هدف از تأسیس این شبکه‌ها، تحقق رؤیای مرجعیت لندن‌نشین برای ترویج تفکر مورد نظر به دورترین مناطق و با زبان‌های مختلف است. این شبکه‌ها مابین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ راه‌اندازی شده‌اند و بصورت آزادانه به تبلیغ شیعه انگلیسی مشغول هستند.

شبکه فدک: یا سر الحبيب مدیر این شبکه از جمله روحانیون لندن‌نشین است که با امکانات دولت انگلیس به کاشتن بذر کینه اهل تسنن در دل شیعیان مشغول است. با ورود به انگلیس، وی اقدام به راه‌اندازی شبکه ماهواره‌ای فدک مینماید. او در لندن حسینیه‌ای نیز به اسم رسول اعظم سازماندهی کرده و مراسم قمه‌زنی را روزهای تاسوعا و عاشورا با تأمین پلیس انگلستان در خیابان منتهی به این حسینیه و در ملا عام برگزار می‌کند.

۶-۴- هفته براءت به جای هفته وحدت در شبکه ای بنام امام حسین(ع)!

یکی از بدعت هایی که شبکه جهانی امام حسین (علیه السلام) در سال ۱۳۹۱ به آن دست زد که تعجب همگان را به همراه داشت، نامیدن هفته وحدت به نام «هفته براءت» بود. تشکلی به نام شورای سیاست گذاری شبکه جهانی امام حسین، اقدام به بدعتی جدید و تامل برانگیز کرد و نهم تا پانزدهم ربیع الاول را به عنوان هفته براءت اعلام نمود. بدعتی که با توجه به بازه زمانی هفته وحدت (۱۲ تا ۱۷ ربیع الاول) جای هیچ تردیدی باقی نمی گذاشت که حرکتی متعمدانه و طراحی شده برای ضربه زدن به اصل اصیل وحدت اسلامی و خدمتی بزرگ در راستای اهداف تفرقه افکنان جهانی در میان مسلمانان جهان بود. حال از شروع انقلاب اسلامی ایران، تاکید رهبران آن بر وحدت میان شیعیان و اهل سنت قرار داشته و برنامه هایی را نیز برای تحقق این امر در نظر گرفته اند، ناگهان جریانی با امکانات رسانه ای گسترده، وسیله تفرقه را مهیا می کند و اهرمی را در اختیار جریانات تندرو اسلامی قرار می دهد تا به شیعه هراسی دست بزنند.

در سال های اخیر، اتفاقات متعددی در حوزه کشورهای اسلامی و تهاجم علیه شیعیان صورت گرفته، اما این شبکه حتی یک برنامه در دفاع از سیاست های محور مقاومت تهیه نکرده، بلکه به تکفیر چنین اقداماتی نیز دست می زند. سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان، از سوی این شبکه همواره مورد هجمه قرار می گیرد و در میان جریان های اسلامی، پس از تکفیری ها، جریان منحرف شیعه دروغین است که به این مبارز شیعه در لبنان می تازد. با وجود آنکه شبکه المنار وابسته به حزب الله، از سوی جریان حاکم بر رسانه های جهانی، محدود و توقیف می شود، شبکه هایی مانند امام حسین، که در ترویج نفرت شهره است، با قدرت بیشتری به کار خود ادامه می دهد.

شبکه اهل بیت: این شبکه با مدیریت فردی افغانی به نام «حسن اللهیاری» از آمریکا بطور ۲۴ ساعته برنامه های تفرقه افکنانه میان مذاهب اسلامی پخش می کند.

این شبکه لندن، در یکی از اقدامات خود، با اعلام «ما امشب علیه عایشه اعلام جنگ می کنیم!»^(۱) به عنوان اسم رمز، جمعیتی کوچک در لندن را گرد هم آورد و علیه همسر پیامبر اسلام (ص) به توهین پرداختند. انتشار گسترده این مراسم در شبکه های خبری و اجتماعی در عراق، عربستان، لبنان، پاکستان موجب تشدید فشارها بر شیعیان و درگیری میان اهل سنت و شیعیان در کشورهای مختلف شد. این اختلافات به حدی بالا گرفت که مراجع نیز به آن واکنش نشان دادند.

نهایتاً، با استفتاء علماء عربستان از مقام معظم رهبری درباره توهین به عایشه، و پاسخ ایشان که فرمودند: «اهانت به نمادهای برادران اهل سنت از جمله اتهام‌زنی به همسر پیامبر اسلام حرام است. این موضوع شامل زنان همه پیامبران و به ویژه پیامبر اعظم - حضرت محمد (ص) می‌شود»، مانند آبی بر آتش فتنه، «لندن‌نشینان» را ناکام گذاشت و بازتاب گسترده‌ای هم در میان رسانه‌ها بویژه اهل سنت داشت.

اللہیاری اهل تسنن را بدعت گذار و آنان را فرقه عمریه و بکریه می‌خواند و فحاشی‌های زننده‌ای نسبت به آنها روا می‌دارد تا جایی که به شیخ بی ادب مشهور است. او حتی پا را فراتر از این می‌نهد و به مراجع توهین کرده و حتی افرادی مثل مرحوم آیت‌الله بهجت را نیز عادل نمی‌داند.

بطور کلی و خلاصه، محورهای اصلی انحرافات رسانه‌های تفرقه‌افکن این جریان عبارتند

از:

- ۱- ترویج قمه‌زنی و موارد مشابه آن - نظیر راه رفتن بر روی شیشه، آتش، تیغ زدن بر پشت و اعمالی که آسیب‌زننده است.
- ۲- سب و لعن اهل سنت و مقدسات آنان و تأکید بر برائت.
- ۳- مخالفت آشکار با انقلاب اسلامی و اهانت به بنیانگذار و رهبری معظم انقلاب.
- ۴- این جریان‌ها همچنین هر حکومت اسلامی پیش از ظهور حضرت مهدی (عج) را حکومت طاغوت می‌شمارند و به این بهانه به تندترین شیوه‌ها به جمهوری اسلامی، تنها حکومت شیعی جهان می‌تازند
- ۵- تأیید و تبلیغ شعار نه غزه نه لبنان با این بهانه که اول بقیع را آزاد کنیم غزه بماند برای بعد
- ۶- دفاع تمام‌قد از آمریکا و انگلستان به بهانه آزادی بیان در آن
- ۷- ۴-۶- تشیع انگلیسی در بیانات حضرت آیت الله امام خامنه‌ای (سایت قادمون، ۱۳۹۶)

۱) ما با رفتارهایی که بعضی از گروه‌های شیعه انجام می‌دهند که موجب اختلاف می‌شود، مخالفیم. ما صریحاً گفته‌ایم که با اهانت به مقدسات اهل سنت مخالفیم. یک عده‌ای از این طرف، یک عده‌ای از آن طرف، بر آتش دشمنی‌ها می‌افزایند و آنها را تشدید می‌کنند؛ خیلی‌هایشان هم نیت هایشان نیت‌های خوبی است، لکن بصیرت ندارند. بصیرت لازم است؛ باید دید نقشه‌ی دشمن

چيست. نقشه‌ی دشمن در درجه‌ی اول ایجاد اختلاف است. از همه‌ی کسانی که در مقابله‌ی با سیاستهای تفرقه‌افکنانه‌ی آمریکا ایستادگی میکنند حمایت میک نیم؛ با همه‌ی کسانی که این تفرقه‌افکنی را به وجود می‌آورند طرفیم و مقابلیم. ما تشیعی را که مرکز و پایگاه تبلیغاتش لندن است قبول نداریم؛ این تشیعی نیست که ائمه (علیهم‌السلام) آن را ترویج کردند و آن را خواستند. تشیعی که بر پایه‌ی ایجاد اختلاف، بر پایه‌ی تمهید و صاف کردن جاده برای حضور دشمنهای اسلام است، این تشیع، تشیع نیست؛ این انحراف است. تشیع مظهر تام اسلام ناب است، مظهر قرآن است. ما از کسانی که کمک به وحدت میکنند حمایت میکنیم، با کسانی که ضد وحدت عمل می‌کنند مخالفت می‌کنیم. (۱۳۹۴/۵/۲۶)

۲) دشمنان دنیای اسلام دنبال این فکرند، دنبال این نقشه‌اند. خوب فهمیدند که اگر در دنیای اسلام مذاهب اسلامی گریبان یکدیگر را بگیرند و کشمکش با همدیگر را شروع کنند، رژیم غاصب صهیونیست نفس راحتی خواهد کشید؛ این را خوب فهمیدند، در ست فهمیدند؛ لذا از یک طرف گروه‌های تکفیری را به راه می‌اندازند که نه فقط شیعه را تکفیر کنند، بلکه بسیاری از فرق اهل سنت را هم تکفیر کنند؛ از آن طرف هم یک عده مزدور را به راه می‌اندازند که برای این آتش هیمة فراهم کنند، بنزین روی آتش بریزند؛ که میبینید، می‌شنوید، یا خبر دارید. و سائل ارتباط جمعی و رسانه در اختیار اینها می‌گذارند؛ در کجا؟ در آمریکا! در کجا؟ در لندن! آن تشیعی که از لندن و از آمریکا بخواهد برای دنیا پخش بشود، آن تشیع به درد شیعه نمی‌خورد.

۳) هیچ‌کس خیال نکند که گسترش شیعه و اعتقاد تشیع و استحکام ایمان شیعی به این بدو بیراه گفتن و به این [طرز] حرف زدن است؛ نخیر؛ اینها عکس عمل می‌کند. وقتی شما بدو بیراه گفتید، دور او یک حصار کشیده می‌شود از عصبانیت، از احساسات، و دیگر حرف حق هم برایش قابل تحمل نیست.

وقتی شما فحش دادی، وقتی بدو بیراه گفتی، یک سدّی کشیده میشود و این حرف اصلاً شنیده نمیشود، گوش نمیکنند؛ آنوقت گروه‌های خبیث و وابسته و مزدور و پول‌بگیر از آمریکا و سیا و ایستلیجنس سرویس -مثل داعش و جبهه النصره و امثال اینها- با استفاده‌ی از یک مشت آدمهای عامی نادان غافل، این اوضاع را به راه می‌اندازند که ملاحظه کردید در عراق و در سوریه و در جاهای دیگر به راه انداختند؛ این کار دشمن است. دشمن، منتظر فرصت است؛ دشمن از هر فرصتی

استفاده میکند. ما حرف حق داریم، حرف منطقی داریم، حرف محکم داریم؛ یک نمونه‌ی کوچکش این بود که من امروز به شما عرض کردم. این راجع به غدیر (۱۳۹۵/۶/۳۰)

۵- جنگ مذهبی سی ساله جدید مقدمه تحولات سیاسی منطقه غرب

جنگ مذهبی سی ساله حادثه‌ای مهم و حساس در تاریخ انسان غربی است که تحت عنوان طاعون سیاه در اروپا شناخته می‌شود و این واقعه در بازه سالهای ۱۶۱۸ - ۱۶۴۸ رخ داده. شروع این جنگها که بین کاتولیک ها و پروتستان ها بواسطه تعصبات مذهبی پادشاه فرانسه، ملکه و صدر اعظم کاردینال که همگی کاتولیک بودند نسبت به پروتستان شدن یکی از شاهزاده ها بود به کشته شدن هزاران نفر از پروتستانی ها فرانسه برمی گردد که به کشتار سن بارتلمی مشهور است. جنگ آنقدر ادامه یافت که هر دو طرف خسته شدند و آسیب‌های وارد شده به مردم در طول سالیان طولانی و نسل‌های مختلف آنان باعث تنفر مردم اروپا از علت این جنگ یعنی «دین مسیحیت» شد.

همانطور که در فصول گذشته اشاره شد تشیع انگلیسی و اسلام آمریکایی دلبه قیچی برای نابودی اسلام ناب می باشد بدین معنی که با تحقیقات صورت گرفته ریشه تحولات اخیر منطقه را در دامن زدن غرب به این اختلافات شاهدیم تا بدانجا که جنگ مذهبی سی ساله جدید به عنوان استراتژی عملیاتی غرب در کلام مسئولینی چون ریچارد هاس (رئیس شورای روابط خارجی آمریکا)، هنری کیسینجر، زیگینیو برژنسکی و جان کری (وزیر امور خارجه آمریکا) برای نابودی اسلام ناب رقم خورده است.

جنگ مذهبی سی ساله جدید ثمره اسلام آمریکایی و تشیع انگلیسی در منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) می باشد.

۵-۱. ایدئولوژی پشتیبان جنگ مذهبی سی ساله

جنگ مذهبی سی ساله جدید در حالی رقم می خورد که جریان تکفیری از درون جهان اسلام با تبلیغات و حمایت امنیتی اطلاعاتی در برابر کشورهایی که به سمت بیداری اسلامی می‌رفتند رقم می زند و منشاء غربی-عربی داشته و سه ضلع شوم حمایت غربی، تفکر اسلام آمریکایی و تشیع لندن را تشکیل می‌دهد.

شیعه‌ی انگلیسی و سنی آمریکایی مثل هم هستند؛ یک عده‌ای هم در این آتش‌ها میدمند؛ همه دوله‌ی یک قیچی هستند؛ سعیشان این است که مسلمان‌ها را به جان هم بیندازند؛ این پیام اراده‌ی تفرقه است که اراده‌ی شیطان است. (سایت فارسی خامنه‌ای، ۱۳۹۵) آن جریانی که باعث ناامنی در منطقه غرب آسیا شده تفکر غربی است. (طهماسبی، ۱۳۹۹، ش، ۵۴)

۲-۵- تفکر غربی

در حالی که امروز آمریکا، رژیم صهیونیستی، فرانسه، انگلیس و ... با حمایت تمام قد خود پشت این جریان تکفیری که با ندای تفرقه دست به کشتار مسلمانان می‌زنند، ممکن است سوال شود که غربی‌ها در جنگ مذهبی داخل منطقه غرب آسیا چه نقشی دارند؟ همانطور که در فصل گذشته لایه‌های پنهان حمایت آنها از شبکه‌های ماهواره‌ای و جریان‌هایی که تفرقه بین مسلمین را رقم می‌زنند مشخص شد اینجا به سراغ مراکز استراتژیکی و سیاستمداران آنها می‌رویم.

۱-۲-۵. ریچارد هاس رئیس شورای روابط خارجی آمریکا در مقاله‌ای تحت عنوان "جنگ سی ساله جدید" می‌نویسد. سه و نیم سال پس از طلوع بهار عربی احتمال جدی برای به وقوع پیوستن یک مبارزه طولانی مدت، پرهزینه و مرگبار وجود دارد؛ تغییر رژیم‌ها، یک دولت شکست خورده را به بار آورد؛ دولت‌های ضعیف قادر به اداره خاک خود نیستند. جنگ ۲۰۰۳ عراق پیامدهای بسیار مهمی در راستای تشدید تنش‌های بین اهل سنت و شیعیان در یکی از مهم‌ترین کشورهای منطقه و در نتیجه در بسیاری از جوامع شقه‌شقه شده‌ی دیگر منطقه داشت. تفاوت‌های آشکاری بین حوادث سال‌های ۱۶۱۸ - ۱۶۴۸ در اروپا [جنگ مذهبی سی ساله] و رویدادهای ۲۰۱۱ - ۲۰۱۴ در غرب آسیا (خاورمیانه) وجود دارد؛ با این حال تشابهات بسیار و البته جدی هم در این میان وجود دارد.

۲-۲-۵- زیگنیو برژینسکی مشاور سابق امنیت ملی آمریکا در مصاحبه با مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی آمریکا (CSIS) می‌گوید: (سایت felipesahagun، ۱۳۹۴)

ما خاورمیانه‌ای را پیش‌رو داریم که همچون جنگ‌های سی ساله در حال انفجار است؛ جنگ‌هایی که در آن هرطرف، طرف مقابل را گناهکار می‌داند و افراد معتقداند که مدافعان خدا در برابر دیگران هستند و به طرز وحشتناکی باهم مبارزه می‌کنند. گرچه ما بخشی از این درگیری‌ها

نیستیم اما در سال‌های اخیر اقداماتی را انجام داده‌ایم و در واقع خود را در مسیر این درگیری‌ها انداخته‌ایم.

۳-۲-۵- جان کری وزیر امور خارجه سابق آمریکا در مصاحبه با نشریه آمریکایی The New Yorker می‌گوید: (سایت نیویورک، ۱۳۹۵)

امروز این جنگ سی ساله نیست، اما اگر نتوانیم با فرایند آشتی یا با یک راه‌حل مانع آن شویم، به یک نوع جنگ سی ساله تبدیل می‌شود، چون می‌تواند به یک جنگ تمام عیار میان سنی و شیعه بدل شود.

۴-۲-۵- ستیون مک میلان تحلیلگر Global Research در مقاله‌ای تحت عنوان "جنگ مذهبی سی ساله جدید در خاورمیانه، سیاست غربی برای ایجاد آشوب" می‌نویسد (سایت globalresearch، ۱۳۹۵)

مدارک موجود نشان می‌دهند که نوعی برنامه‌ریزی حداقل توسط بعضی از استراتژیست‌ها در داخل ایالات متحده با هدف انهدام کشورهای تک قومی و بالکانیزه کردن منطقه به دولت‌های متخاصم و میکرو دولت‌ها و مینی دولت‌هایی که آن‌قدر ضعیف و در بین کش مکش با هم دیگر با شند که نتوانند در برابر قدرت‌های خارجی و شرکت‌های چند ملیتی مهم متحد شوند؛ به طوری که بعد از یک دوره‌ی طولانی مانند جنگ مذهبی سی ساله از خرابی و هرج و مرج در منطقه، مردم خاورمیانه، احتمالاً آن‌قدر از ترس و وحشت جنگ خسته خواهند شد که نظامی تحمیلی از طرف غرب را به عنوان راهی برای پایان دادن به جنگ و خشونت بپذیرند، با وجود این که می‌دانند، بیشتر این مشکلات از طرف غربی‌ها بوده است.

۳-۵. جغرافیای سیاسی منطقه

امروز در حالی از جغرافیای سیاسی منطقه غرب آسیا سخن می‌گوییم که به لحاظ امنیتی این منطقه پتانسیل آغاز یک جنگ جهانی دیگر را دارا می‌باشد، کشورهای منطقه تقریباً همه درگیر این جنگ خانمان سوز شده‌اند؛ عده‌ای در صف اول درگیری نظامی و عده‌ای حامیان مالی و تسلیحاتی و عده‌ای دیگر حامی تثبیت دولت‌های مشروع مستقر می‌باشند و کشورهای غربی و شرقی نیز چون منافع خود را در اوضاع آشفته این منطقه می‌بینند هر کدام به تناسب حالشان درگیر شده‌اند.

این سخنان حرف های افراد عادی نمی تواند باشد که به سادگی از کنار آن گذر کرد؛ پیشتر اسناد حمایت غرب از جنگ های بوجود آمده که بیانگر جنگی مذهبی در منطقه است را ارائه کردیم، حال با شناخت عنا صر اثرگذار در منطقه غرب آسیا به ترسیم افق های پیش رو در منطقه برپایه: ۱- اختلاف مذهبی یا همان جنگ مذهبی ۲- جغرافیای سیاسی کشورهای موجود در منطقه می پردازیم:

صحبتهای **هنری کیسینجر** وزیر خارجه اسبق ایالات متحده و عضو CFR، در مدرسه جنرال فورد در سال ۲۰۱۳ نمایانگر تمایل و علاقه ی وی به دیدن منطقه ای بالکانیزه شده با مناطق کم و بیش خود مختار است. وی علاوه بر مقایسه وضعیت منطقه با جنگ سی ساله مذهبی معتقد است که:

سه نتیجه ی محتمل وجود خواهد داشت: ۱. پیروزی بر تکفیری ها، ۲. پیروزی اهل سنت، ۳. نتیجه ای که در آن ملیت های متنوع بر همزیستی توافق کنند که در این صورت مناطقی با استقلال کم و بیش ایجاد خواهد شد که نمی توانند یکدیگر را سرکوب و حق هم را ضایع کنند. این نتیجه ی دلخواه من است. اما نتیجه ی محبوبی نیست. کلید حل مشکل ما در ایجاد اوضاعی همانند اروپای بعد از جنگ سی ساله است، زمانی که گروه های مختلف مسیحی یکدیگر را می کشتند و در نهایت تصمیم گرفتند که با هم اما در واحدهای جداگانه زندگی کنند. (سایت fordschoolumich، ۱۳۹۵)

هدف از طرح بالکانیزاسیون تکه تکه کردن خاورمیانه و تبدیل آن به موزائیکی از کشورهای کوچک و ضعیف در حال رقابت با یکدیگر است تا از این طریق قدرت جمهوری ها و پادشاهی های فعلی تضعیف گردد. (سایت مشرق نیوز، ۱۳۹۴)

جنگ مذهبی سی ساله جدید، در واقع یک ضد استراتژی است که توسط غرب برای مقابله با پدیده بیداری اسلامی در جهان اسلام اجرا می شود و در جبهه های سخت و نرم علیه اسلام ناب محمدی طراحی شده است.

وجود احتمالات کیسینجر لایه محتمل تری را از قلم انداخته و آن هم تشکیل جبهه های مقاومت واحد است.

به عبارت دیگر ایران نخ تسبیح کلیه تحولات منطقه است و نقشی بی بدیل در این زمینه دارد. با ورود محور مقاومت برای کمک به دولت و ارتش کشورهای درگیر در جنگ مذهبی معادله تغییر کرد. بر همین اساس است که هنری کیسینجر با بیان اینکه حذف داعش و جریان های تروریستی در سوریه و عراق، موجب گسترش و تعمیق جایگاه و نفوذ ایران در سطح منطقه خواهد شد، تلویحا

از دولت دونالد ترامپ می خواهد برای حفظ جریان های تکفیری در عراق و سوریه برنامه ریزی کند. (سایت قدس نا، ۱۳۸۸)

نتیجه گیری

بررسی مفهومی و تحلیلی «اسلام آمریکایی از جانب بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران» و «شیعه انگلیسی از ساحت رهبری شهید» نشان داد که این دو اصطلاح، صرفاً مفاهیمی تبلیغاتی یا سیاسی نیستند، بلکه ناظر به دو جریان فکری و رسانه‌ای‌اند که با وجود تفاوت‌های ظاهری و روش‌های متفاوت، در یک هدف راهبردی مشترک عمل می‌کنند؛ هدفی که عبارت است از تضعیف اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه وآله و سلم)، مخدوش ساختن چهره عقلانی و رحمانی اسلام، ایجاد شکاف در میان امت اسلامی و جلوگیری از شکل‌گیری وحدت و همگرایی جهان اسلام در برابر چالش‌های مشترک.

یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که اسلام آمریکایی با ترویج قرائت‌های سکولار، منفعل، وابسته و همسو با منافع قدرت‌های سلطه‌گر، تلاش می‌کند ظرفیت اجتماعی و سیاسی اسلام را در عرصه مقاومت و عدالت‌خواهی کاهش دهد. در مقابل، شیعه انگلیسی نیز با بهره‌گیری از ادبیات افراطی، رفتارهای تحریک‌آمیز، توهین به مقدسات سایر مذاهب اسلامی و دامن زدن به تعصبات فرقه‌ای، زمینه تشدید اختلافات مذهبی و تضعیف انسجام امت اسلامی را فراهم می‌سازد. اگرچه این دو جریان در ظاهر در دو سوی یک طیف قرار دارند، اما در عمل، آثار و پیامدهای عملکرد آنان به یکدیگر منتهی شده و در راستای تأمین منافع راهبردی قدرت‌های مداخله‌گر خارجی، به‌ویژه در منطقه غرب آسیا، قابل تحلیل است.

تحلیل تحولات سیاسی منطقه نیز نشان می‌دهد که برجسته سازی منازعات مذهبی، گسترش ادبیات تکفیر، تقویت جریان‌های افراطی و خشونت‌گرا، مشروعیت‌بخشی به مداخلات خارجی و منحرف ساختن افکار عمومی از مسئله اصلی جهان اسلام، یعنی مقابله با اشغالگری، استعمار نوین و سلطه‌طلبی، از مهم‌ترین پیامدهای فعالیت این دو جریان بوده است. در چنین فضایی، گروه‌های افراطی و تکفیری، با سوءاستفاده از فضای نفرت و تقابل مذهبی، زمینه گسترش ناامنی، بی‌ثباتی سیاسی و فرسایش سرمایه اجتماعی کشورهای اسلامی را فراهم ساخته‌اند.

از منظر این پژوهش، یکی از شاخص‌های قابل توجه در شناخت این جریان‌ها، بهره‌گیری گسترده آنان از شبکه‌های رسانه‌ای، مراکز تبلیغاتی و بسترهایی است که نقش مؤثری در ترویج گفتمان‌های اختلاف‌افکن و بازتولید شکاف‌های مذهبی ایفا می‌کنند. هرچند انتساب یا وابستگی هر فرد یا مجموعه به دولت‌های خارجی نیازمند ادله مستقل و مستند است، اما بررسی عملکرد رسانه‌ای و سیاسی این جریان‌ها نشان می‌دهد که برآیند اقدامات آنان، در بسیاری از موارد، با سیاست‌های تفرقه‌افکنانه و منافع قدرت‌های مداخله‌گر در منطقه همسو بوده و عملاً به تعمیق شکاف‌های مذهبی و کاهش همبستگی امت اسلامی انجامیده است.

بر این اساس، مقابله با پیامدهای اسلام آمریکایی و شیعه انگلیسی، بیش از آنکه صرفاً امنیتی یا سیاسی باشد، مستلزم اتخاذ رویکردی معرفتی، فرهنگی، رسانه‌ای و تمدنی است. تقویت گفتمان اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله)، تبیین مبانی تشیع اصیل علوی، ارتقای سواد دینی و رسانه‌ای، مقابله علمی با اندیشه‌های افراطی، گسترش گفت‌وگو و تقریب مذاهب اسلامی و پرهیز از هرگونه رفتار یا گفتاری که به اختلافات مذهبی دامن بزند، از مهم‌ترین راهبردهای مقابله با این جریان‌ها به شمار می‌رود.

در این چارچوب، جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای اثرگذار جهان اسلام، همراه با علما، اندیشمندان، نخبگان فرهنگی و رسانه‌ای، وظیفه دارند با تقویت گفتمان وحدت اسلامی، حمایت از جریان‌های تقریب‌گرا، محکومیت هرگونه اهانت به مقدسات مذاهب اسلامی، تبیین صحیح آموزه‌های اسلام و تشیع و نیز مقابله علمی با جریان‌های تکفیری و افراطی، زمینه کاهش تنش‌های مذهبی و افزایش همگرایی امت اسلامی را فراهم آورند. تحقق این هدف، مستلزم تدوین و ترویج منشورهای مشترک وحدت اسلامی، توسعه همکاری‌های علمی و فرهنگی میان مذاهب و تمرکز بر مشترکات اعتقادی و تمدنی مسلمانان است؛ امری که می‌تواند ضمن خشی‌سازی راهبردهای تفرقه‌افکنانه، زمینه ساز تقویت ثبات سیاسی، امنیت منطقه‌ای و شکل‌گیری همبستگی پایدار در جهان اسلام باشد.

در مجموع، پژوهش حاضر نشان داد که «اسلام آمریکایی» و «شیعه انگلیسی»، با وجود تفاوت در شیوه‌ها و ابزارهای کنش، در یک نقطه به هم می‌رسند و آن، فاصله گرفتن از اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله)، و فراهم ساختن بسترهای اختلاف، افراط‌گرایی و مداخله قدرت‌های

خارجي در جهان اسلام است. از اين رو، بازگشت به آموزه‌هاي اصيل قرآن كريم، سيره پيامبر اكرم (صلي الله عليه و آله)، و اهل بيت (عليهم السلام)، تقويت عقلانيت ديني، حفظ وحدت امت اسلامي و ارتقاي بصيرت سياسي و فرهنگي مسلمانان، مؤثرترين راهبرد براي خشي سازي آثار اين جريان‌ها و حفظ انسجام و اقتدار جهان اسلام خواهد بود.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- امام خمینی (۱۳۶۷). پیام به سمینار مسئولان و اعضای شورای مرکزی جهاد سازندگی، ۶۷/۹/۱۴.
- آلوسی (۱۳۸۴). روح المعانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن اثیر علی بن محمد (۱۳۷۶). الکامل فی التاریخ، چاپ اول، تهران: انتشارات اعلمی.
- ابن شعبه حرانی (۱۳۸۹). تحف العقول، چاپ نهم، قم: نشر صالحان.
- حیدر، اسد (۱۳۷۱). امام صادق ومذاهب اهل سنت، ترجمه سیدعلی رضا نقیب پور، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- پورحسین، مهدی (۱۴۰۰). اسلام ناب محمدی، در دازشنامه امام خمینی، گردآوری سید ضیاء مرتضوی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- حسینی، سید محمدصادق (۱۳۸۹). درآمدی بر اسلام ناب با نگاهی به اندیشه‌های امام خمینی، تهران: موسسه چاپ و نشر عروج.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحياء التراث.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵). بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی، پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، تاریخ درج مطلب ۱۴ خرداد ۱۳۹۵ش، تاریخ بازدید ۳۰ آبان ۱۴۰۳ش.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳). بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، تاریخ درج مطلب ۲۱ اسفند ۱۳۹۳ش، تاریخ بازدید ۲ مهر ۱۴۰۴ش.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۴). اسلام ناب محمدی، پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، تاریخ بازدید ۲ مهر ۱۴۰۴ش.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). اسلام ناب در کلام و پیام امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۴). ولایت فقیه، اردبیل: انتشارات محقق اردبیلی.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خوئی سید ابوالقاسم (۱۳۷۹). کتاب الطهاره، ج ۴.
- سیوطی جلال الدین (۱۳۷۸). اللمع فی أسباب ورود الحدیث، قم: موسسه کتاب شناسی شیعه.
- شوشتری، نورالله (۱۳۸۵). الصوارم المهرقه، تهران: نشر مشعر.

- شهیدی (۱۳۶۸). ترجمه‌ی نهج البلاغه، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- صدوق (۱۳۷۲). الاعتقادات فی دین الامامیه، چاپ اول، تهران: کنگره هزاره شیخ مفید.
- صدوق (۱۳۷۶). الأُمالی، ترجمه محمدباقر کمره ای، تهران: کتابچی.
- طباطبایی سید محمد حسین (۱۳۸۶). تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی، ج ۷، چاپ بیست و سوم، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طه‌ماسی، محمد (۱۳۹۹). اسلام ناب بر اساس اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۷۸). خاطرات آیت‌الله منتظری، تهران: اندیشه ناب.

<http://csc.asu.edu>
<http://farsi.khamenei.ir>
<http://felipesahagun.es>
<http://fordschool.umich.edu/events/2013>
<http://qademon.ir/?p=2994>
<http://qodsna.com/fa/content/id/pdf/id=302748>
<http://www.fetan.ir/home/8306>
<http://www.glohalresearch.ca>
www.Ghadirioon.ir